

از زیباشناسی تا زیبایی‌شناسی

سیدامیر منصوری
دکتری مطالعات شهری، گرایش معماری منظر، دانشگاه تهران.
seyedamir.mansouri@gmail.com

بیان مسئله

در حالی که اغلب منابع منتشر شده در مورد زیبایی‌شناسی، وجه فلسفی آن را مورد توجه قرار داده، کدام زیبایی‌شناسی به کار هنرمندان می‌آید؟ این سوال همچنان بلاپاسخ مانده است. فیلسوفان و هنرمندان، از دو منظر به زیبایی‌شناسی توجه می‌کنند. برای فیلسوفان آثار هنری شواهد غیرمتمنی است که می‌تواند به لحاظ روانی و برای روشن شدن بحث نظریه‌های فلسفی را پشتیبانی کند. در حالی که نمونه‌های هنر برای هنرمند، الگویی است که با شناخت آنها می‌تواند پیشاپیش از نتیجه تولید اثر هنری خود با خبر شوند. این مشکل اگر چه جهانی است اما در ایران حال خاص خود را دارد. زیبایی‌شناسی در آموزش هنر ایران مظلوم واقع شده است. فیلسوفان ایرانی، گوهر زیبایی‌شناسی را به خانه خود برده و ناتوان از تأمین نیازهای هنرمندان همچنان مانع اصلی در الهام‌گیری روشمند هنرمندان از تجربه زیبا آفرینی تمدن بشریتند. در میان هزارها واحد درس در رشته‌های مختلف هنر، جای خالی ارزیابی زیباشناسانه تاریخ هنر به روشنی پیداست؛ و معدود درس‌هایی که در دوره دکتری به آن می‌پردازند، به تسخیر فلاسفه درآمده‌اند و بحث‌های ثقیل آنها تأثیر چندانی بر فرآیند خلق آثار هنرمندان ندارد.

در سوی دیگر تحولات چند دهه آموزش هنر در ایران، علی‌الخصوص تلاش‌هایی که در دوره انقلاب فرهنگی دهه ۶۰ و اخیراً در شورای تحول صورت گرفته، علی‌رغم آن که هویت‌مند کردن دروس و کاربردی کردن آنها در قبال مسایل بومی ایران را به عنوان هدف‌های اصلی خود عنوان کرده‌اند، هیچ نگاه معنی داری به مقوله زیبایی‌شناسی در هنر نینداخته است.

نقد هنر نیز در همه رشته‌ها، اگرچه باید قبل از هر معیار دیگری سراغ تحلیل‌های زیباشناسانه برود، کمتر این صیغه را دارد. تحلیل مضمون، نقدهای سیاسی و جامعه‌شناسانه و پس از آنها کشف تأثیرپذیری از آثار هنرمندان دیگر بیشترین توجه منتقدان را به خود جلب می‌کند. در حالی که نقد هنری باید قبل از هر چیز ناظر به ارزیابی زیباشناسانه اثر باشد و ابعاد دیگر هنر در پرتو آن تفسیر شوند.

تقلید صورت، آفت دیگری است که در غیاب دانش زیباشناسی هنرمند بر اثر او وارد می‌شود. رشد رسانه‌ها و امکان قرار گرفتن آنی در کانون خبرهای هر فعالیت هنری به سلی می‌ماند که هر ناظری که پای محکمی بر زمین نداشته باشد را با خود می‌برد. شباهت‌های روزافزون آثار هنری و سرقت‌هایی که خبر آنها دیگر عادی شده نتیجه جریان بی وقفه اطلاعات است که در جهان جاری است. آنچه که ملتها تحت عنوان هویت دنبال می‌کنند تا در سیل خانمان برانداز جهانی سازی قربانی نشوند، بدون لوازم ضروری آن به دست نمی‌آید. هویت، به منزله قواعدی که در تاریخ فرد و جامعه، هنرمند را پدید آورده، از لابلای مباحثی همچون زیبایی‌شناسی است که شناخته می‌شود. هویت محصول گونه‌گونی رفتار انسان‌هاست در تعامل با محیط و تاریخ که کیستی آنها را می‌سازد. از جمله عناصر هویت‌ساز، سلیقه آنها در مواجهه با صورت محیط است که فهم آن در عالم زیبایی‌شناسی مستتر است. بدون شناخت چیستی و چرایی امر زیبا در نظر یک قوم نمی‌توان

نمای خانه‌هایشان؛ زیبایی‌شناسی منظر آسمان در ایران دوره سنت و جهان معاصر، تأثیر الگو در زیباشناسی پروژه‌های معماری منظر دانشگاه تهران، زیبایی‌شناسی مداخلات مدیریت شهری در خیابان زند شیراز و زیبایی عناصر گیاهی در مینیاتورهای شاهنامه طهماسبی. دامنه مطالعات مذکور که ۵ زمین متفاوت را در بر گرفته حاکی از ظرفیت عمیق مبحث زیبایی‌شناسی برای انجام تحلیلها و ارزیابی‌هایی است که علاوه بر آموزش، به روند طراحی و مدیریت نیز کمک‌های بسیاری می‌رساند. روش مطالعه آنها در سه گام اصلی تنظیم شده است: تشخیص مصادیق زیبا در هر موضوع، تحلیل چستی زیبایی در هر کدام و استنتاج چرایی زیبایی در موضوعات مورد مطالعه. این روش می‌تواند اطلاعات مفیدی برای تولید یا مدیریت امر هنری را در اختیار قرار دهد.

انتظار تداوم هویت او را داشت. از این رو علی‌رغم تأکید و اصرار بسیار برای هدایت جریانات فرهنگی و هنری به سوی گزینه‌های هویت‌مند چیز زیادی حاصل نشده است.

نظام آموزشی هنر، در همه رشته‌ها، وظیفه دارد برای جلوگیری از هویت‌یابی‌های تصادفی یا متأثر از رسانه‌ها درس‌های زیبایی‌شناسی هنر (و نه فلسفه هنر) را تدوین و در سطوح مختلف به اجرا گذارد. یک تجربه از این تلاش در چارچوب درس دکتری معماری منظر دانشگاه تهران برنامه‌ریزی و اجرا شد که ۵ مقاله این ویژه نامه محصول آن است. تفاوت موضوعی و روش‌های مطالعه در هر یک از ۵ پژوهش انجام شده حاکی از گستردگی و عمق اثر زیبایی‌شناسی در اقدامات مختلف هنری است. موضوع مقاله‌ها عبارت است از سلیقه ساکنان بافت فرسوده در نوسازی

زیباشناسی؛ تشخیص مصداق

نخستین گام برای انجام مطالعه زیبایی‌شناسی در هر یک از موضوعات ۵ گانه فوق، شناسایی امر زیبا در محیط مطالعه بود. برای این کار لازم بود تا ابتدا محدوده پژوهش به طور دقیق تبیین شود و سپس با مراجعه به مصادیق و نمونه‌ها در محیط تحقیق، گروهی که از فراوانی و تکرار بیشتر برخوردارند به عنوان انتخاب‌های مخاطبان گزینش شوند. نتیجه این مرحله بدست آوردن فهرستی از نمونه‌ها از دو سوی موازی بود: مشاهده میدانی از طریق مراجعه مستقیم به محیط پژوهش و رجوع به آثاری که روشنفکران و هنرمندان در ارتباط با محیط تحقیق خلق کرده بودند.

در نمونه نوسازی بافت فرسوده، بررسی رویکرد معماران و سازندگانی که در منطقه مورد مطالعه اقدام به طراحی و ساخت نماهای نوساز کرده بودند در کنار پیمایش نمونه‌های ساخته شده و مقایسه آنها با یکدیگر، مجموعه‌ای را که از فراوانی بیشتری برخوردار بود در میان جامعه آماری نمونه‌های مطالعه شده برگزید که به عنوان مصداق امر زیبا برای ساکنان بافت فرسوده شناخته می‌شد. این گروه نمونه‌هایی بودند که ساکنان یا سازندگان بافت فرسوده بیشتر پسندیده بودند و از طریق تکرار شیوه ناسازی و تقلید از یکدیگر در نوسازی ساختمان‌های خود به کار گرفته بودند. برای انجام این کار که عیناً در هر ۵ مطالعه صورت گرفت، ابتدا دامنه تحقیق تعیین شد، سپس با مشاهده و مقایسه صورت نمونه‌ها در یک فرایند تحلیلی، شباهت‌های آنها تشخیص داده شد. نتیجه مقایسه انتخاب بیشترین نمونه‌های مشابه در ابعاد مختلف بود، طبقه‌بندی نمونه‌ها بر حسب فراوانی شباهت‌ها در ابعاد مختلف بود. بدین ترتیب مصادیق زیبا در نظر بهره‌برداران شناسایی شد که مبنای مطالعه مرحله بعد قرار گرفت.

زیبایی‌شناسی؛ بیان چستی

پس از گزینش نمونه‌های زیبا در نظر مخاطبان، مقایسه آنها در دستور کار قرار گرفت تا ویژگی‌های مشترک آنها شناخته شود. مقایسه کاملاً در عرصه صورت انجام شد و هدف آن بود تا با تجزیه صورت به مؤلفه‌های مختلف تشکیل دهنده از قبیل شکل، بافت، حجم، رنگ، ترکیب‌بندی، تناسبات و امثال آنها، شرایط صورت نمونه‌ها از حیث مؤلفه‌های متفاوت با یکدیگر مقایسه شود. نتیجه مقایسه به دست آوردن قانونمندی‌هایی است که به صورت پنهان در شکل دادن به صورت نمونه‌های زیبا نقش داشته است. تدوین و تنظیم قوانینی که به زیبا آفرینی در مصداق‌های مطالعه می‌انجامد، توضیح چستی امر زیباست. به عبارت دیگر صحبت از چستی زیبایی در نمونه مورد بررسی، بیان قاعده‌ای است که در ساخت آن نمونه مراعات شده است. از جمله رنگ غالب در فرش و زیراندازهای بافتنی، صفتی است که صورت شیء را تعیین می‌کند. رنگ‌های مذکور در فرش هر یک از مناطق ایران گواه چستی زیبایی رنگ در زیراندازهای آن ناحیه است. می‌توان این یافته را این طور بیان کرد که نزد اهالی کرمان ترکیب رنگ‌های صورتی، قرمز و آبی موجب زیبایی فرش است یا چستی زیبایی رنگ در فرش کرمان عبارت است از صورتی، قرمز و آبی؛ این قاعده در مناطق دیگر یا دوران‌های مختلف یک منطقه تفاوت‌هایی دارد. برای انجام این کار، ابتدا متناسب با هر یک از ۵ موضوع تحقیق، مؤلفه‌های تشکیل دهنده «صورت» نمونه‌ها تبیین شد سپس نمونه‌های منتخب (مصداق‌های امر زیبا) بر اساس مؤلفه‌های مذکور تجزیه و تحلیل شدند و سهم هر یک از مؤلفه‌ها در ساخت کلیت آنها مورد بررسی قرار گرفت. جمع‌بندی نتایج تحلیل، وزن مؤلفه‌ها و ویژگی هر یک از آنها در «صورت بخشی» به کلیت نمونه‌های منتخب را روشن کرد. تفسیر نتایج، نخستین گام‌ها

پاسخ به این پرسش‌ها، در حوزه فلسفه متکی به عقل است و در سایر حوزه‌ها متکی به نمونه‌ها. شناخت صحیح و مبتنی بر واقعیت از سرگذشت هنر موجب می‌شود تا امر انتخاب نمونه‌های زیبا و برتر، که فراوانی بیشتری در محیط‌های مورد بررسی داشته‌اند، با قوت و دقت کامل‌تری صورت گیرد. در این حال، بررسی خصوصیات مشترک نمونه‌ها، اگرچه اقدامی استنباطی و متکی به مهارت و خبرگی است، می‌تواند با رعایت قواعد علمی و در پیش گرفتن متدولوژی کمیت‌گرا به تبیین قوانین رعایت شده در اکثر آنها دست یابد. لهذا این مرحله از مطالعه زیبایی‌شناسی از شیوه‌های بینابینی مبتنی بر استنتاج و استنباط و روش‌های کمی بهره می‌گیرد.

تفسیر همه این قواعد که به چرایی زیبایی پاسخ دهد قطعاً امری استنباطی است که به شواهد اتکا دارد؛ لکن شواهد بیشتر به کار توضیح و توجیه استنباط‌ها می‌آید تا تعلیل آنها.

جمع‌بندی

مطالعه روش‌مند زیبایی‌شناسی از منظر هنر در ایران سابقه زیادی ندارد و چندان هم رایج نیست. رویکرد محققان به موضوع زیبایی‌شناسی اغلب فلسفی است که به پرسش‌های فیلسوفان در این باره نظر دارد. برای ورود به مطالعه زیبایی از دیدگاه هنر، علی‌الخصوص با رویکرد زیبایی‌شناسی هنر ایران، پنج موضوع متفاوت که بیانگر سلیقه و منش مداخله انسان در محیط یا تولید اثر هنری بوده است انتخاب شد و شیوه‌ای ابتکاری و علمی که قابلیت توضیح و ارزیابی کمی داشته باشد، مورد مطالعه قرار گرفتند نتایج جداگانه هر یک بیانگر سلیقه زیبایی‌شناسی مخاطبان و مؤلفان آثار در تولید آنها بود که مستقلاً تشریح شد.

برای کشف قانونمندی بود؛ قوانینی که شمولیت بیشتری داشته باشد و از روایی بیشتری برای توضیح نمونه‌ها برخوردار باشد، به عنوان قواعد شکل دهنده «صورت» در هر یک از موضوعات مطالعه معرفی می‌شوند.

به دست آوردن قواعدی که صورت آثار هنری و اصولاً هر محصول مداخله انسان در محیط و مصنوعات وی، بر اساس آنها شکل می‌گیرد از طریق مهندس معکوس محصولات و تحلیل صورت آنها ممکن است. این مطالعه در ۵ مثال کاملاً متمایز با استناد به همین شیوه توانست به قوانینی دست یابد که در نمونه‌های مورد بررسی چپستی زیبایی را توضیح می‌داد. محصول این مطالعه در این مرحله، زیبایی‌شناسی است که از چپستی زیبایی در امر زیبا حکایت می‌کند.

چرایی زیبایی : دانایی مشترک هنر، علم و فلسفه

پس از شناخت امر زیبا و دانستن چپستی زیبایی در نمونه‌های مطالعه شده، نوبت به پرسش از چرایی می‌رسد. چرا چنین قانونی برای زیبا ساختن نمونه‌های مطالعه به کار آمده است؟ پرسش از چرایی، به بررسی محیط، تاریخ و عقاید اقوام تولید کننده محصول هنری می‌پردازد. چگونه اقلیم و جغرافیا توانسته‌اند گرایش به رنگ خاص را در یک قوم ایجاد کنند؟ آیا همنشینی رنگ کرم و آبی در معماری شهرهای ایران ناشی از وجود دو عنصر زمین و آسمان با شفافیت تمام در محیط زندگی آنان بوده است؟ آیا اسطوره‌ها و باورهای آنان در ارتباط با هستی، این رنگ‌های نمادین را برای آنها به مثابه رموزی برای ارتباط با عالم بالا رقم زده است؟ پرسش‌هایی از این دست وارد حوزه روانشناسی هنر، جامعه‌شناسی هنر، تاریخ هنر و فلسفه هنر می‌شود که به چرایی امر زیبا نزد اقوام مختلف می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

رضا کسروی در تحقیق خود در صدد کشف علل توجه ساکنان منطقه ۱۷ تهران به صورت‌هایی خاص در نمای خانه‌های مسکونی آنها برآمده است. او با تجزیه صورت نماهای منتخب و بررسی مقایسه‌ای ترکیب شکلی و رنگینی آنها به وجود نظمی اجتماعی در پی صورت نماها اعتقاد یافته که آن را عامل تولید آنها معرفی می‌کند. تمایل به سبک کلاسیک به مثابه نماد و ثروت و اشرافیت ساکنان شمال شهر، که دیرزمانی دوقطبی بالا و پایین شهر را ساخته بود. کسروی به دست آمدن نظم زیباشناسانه را به دنبال تمایل اجتماعی ساکنان جنوب شهر به حساب می‌آورد. حسین پروین بررسی و تحلیل یک شاهکار نقاشی ایران را برای

بررسی ۵ نمونه از محصولات فرهنگی ایرانیان نشان می‌دهد امیر هاشمی‌زادگان در مقاله «جدال تولید و تقلید در طرح‌های آکادمیک» با بررسی کمی روابط شکلی میان هنرهای الگو و آنچه در دانشگاه‌های ایران در قالب پرونده طراحی می‌شود به نوعی از قانونمندی حاکم میان این دو پی برده است. او با اعلام این نظریه که کپی صریح جایگاه محکمی در محصولات دانشگاه ندارد، از ضعف مقابله با تقلید نیز سخن می‌گوید. به اعتقاد او فرآیند صورت‌یابی پرونده در دانشگاه‌های مطالعه شده، بیش از آنکه بر تولید استوار بر قواعد زیبایی‌شناسی اتکا کند از دو اصل مبهم بومی‌سازی و آنچه خود داشت الهام می‌گیرد.

ایدا اسدافروز در پژوهش مقایسه‌ای میان زیبایی‌شناسی آسمان در دو باور سنتی ایران و مدرن جهان، با انتخاب و تحلیل نمونه‌های نقش آسمان در معماری سنتی ایران به قواعدی در خصوص عناصر شاخص آسمان و ترکیب‌بندی آنها به رویکرد اسطوره‌ای و نمادشناسانه فرهنگ سنتی ایران در خصوص آسمان و اجرای آسمانی دست می‌یابد. در مقابل ارزیابی عکس‌های آسمان در آرشیو گوگل از غلبه نگاه واقع‌گرا حکایت می‌کند. تفاوت این دو نگاه در آفرینش منظر آسمان در آثار هنری و به عبارت دیگری شکل‌گیری زیبایی‌شناسی هنر در ارتباط با آسمان تا آن حد است که در یکی از عناصر اصلی صحنه آسمان همچون ابر که در دیگری نقش اصلی دارد، تا مرحله حذف شدن رسیده است. پژوهش در روش‌های زیباشناختی اثر هنری که بر اساس تحلیل نمونه‌های آثار و کشف انتخاب‌های هنرمند بر اساس وزن و اهمیت آنها (فراوانی و نقش در اثر) انجام شد. قواعد و روش‌هایی را در هر یک از عرصه‌های مطالعه به عنوان زیبایی‌شناسی آن عرصه پیش رو می‌گذارد که برای هنرمند امروز که یکی از تمناهای وی ارتباط با تاریخ و حرکت در تداوم فرهنگ و سنت اجتماع است، حتما برآورده شود. زیبایی‌شناسی هنری که به شناخت سلیقه هنرمندان در خلق آثار هنری تکیه دارد منبع بسیار موثر و با ارزش در تداوم هویت و فرهنگ جامعه در زندگی عصر خود است.

یافتن قواعد «زیبایی» انتخاب کرد. او در مقاله «زیبایی‌شناسی گیاه در شاهنامه بایسنقری» با ارزیابی کمی و روشمند جلوه‌گری گیاه در مینیاتورهای این اثر ارزشمند دوره تیموری کوشیده است سلیقه زیباشناسانه هنرمند این دوره را درک کند. یافته‌های او حاکی از آن است که گیاه و نقوش گیاهی بر خلاف هنرمندی که زمینه اصلی تصویر را شکل می‌دهد در مینیاتور بایسنقر با نقش تزئینی و حساب شده در ترکیب‌بندی به کارگرفته شده و عنصر پرکننده تصویر نیست، جز آن، جهت‌گیری رنگ‌آمیزی گیاهان، علی‌رغم تنوع طبیعی آنها به سوی رنگ‌های خاص و برگزیده شاهد معنای نمادین گیاه در این اثر ارزنده است. مریم اسماعیل‌دخت درمقال دیدگاه حاکم بر زیبایی‌شناسی مداخلات خیابان زند شیراز در سه دوره تاریخی با پیمایش دقیق تحولات منظر خیابان زند در یک دوره ۱۱۰ ساله به طبقه‌بندی رویکردهای مداخلات در سه گروه حاکم (شهرداری)، اجتماع (مردم) و کالبد خیابان پرداخته و توانسته است با روش کمی و قابل کنترل نتایجی به دست آورده که از تلفیق و مقایسه آنها زمینه‌های شکل‌گیری زیبایی‌شناسی رخ داده در خیابان زند را متأثر از سه عامل فردگرایی، تقلید و سرعت مداخله دانسته است. این شیوه استنباط از ویژگی‌های به دست آمده از تحلیل آثار و نمونه‌های هنری اقدامی جدید در زمینه زیبایی‌شناسی با رویکرد هنری محسوب می‌شود.